شرح دعای پنجاه ویک صحیفه سجادیه

تضرّع و زاری

نویسنده : فاطمه پورشفیع

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

تابستان ۹۷

دعای پنجاه ویک:

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي التَّضَرُّعِ وَ الِاسْتِكَانَهِ

واز دعای امام سجاد(ع) در تضرّع و زاری فروتنانه:

ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ :

خدای خود را به تضرع و زاری و نهانی و به صدای آهسته که به اخلاص نزد بخوانید (و از اندازه مگذرید) که خدا هرگز متجاوزان را دوست نمی‌دارد.(اعراف۵۵)

فراز اوّل:

إِلَهِي أَحْمَدُكَ وَ أَنْتَ لِلْحَمْدِ

بار الها،حمد و ستایش می کنم تو را – و تویی سزاوار حمد و ستایش.

أَهْلٌ عَلَى حُسْنِ صَنِيعِكَ إِلَيَّ ،

تو سزاوار حمدی در برابر احسان بیشمارت به من

وَ سُبُوغِ نَعْمَائِكَ عَلَيَّ ،

ولبریز کردن من از نعمتهایت

وَ جَزِيلِ عَطَائِكَ عِنْدِي ،

عطا و بخشش تو نزد من بسیار است.

وَ عَلَى مَا فَضَّلْتَنِي بِهِ مِنْ رَحْمَتِكَ ،

و بر رحمتی که مرا برتری دادی .

وَ أَسْبَغْتَ عَلَيَّ مِنْ نِعْمَتِكَ ،

و نعمت خود را برمن فزونی دادی.

فَقَدِ اصْطَنَعْتَ عِنْدِی مَا یَعْجِزُ عَنْهُ شُکْرِی

پس چندان تو برمن عنایت کرده ای که شکر من از آن قاصر است.

فراز دوم:

وَ لَوْ لَا إِحْسَانُکَ إِلَیَّ وَ سُبُوغُ نَعْمَائِکَ عَلَیَّ مَا بَلَغْتُ إِحْرَازَ حَظِّی ، .

و اگر احسان تو بر من نبود – اگر نعمتهای فراوان و سرشار تو نبود به احراز بهرۀ خود نمی رسیدم.

وَ لَا إِصْلَاحَ نَفْسِی ،

و به اصلاح نفس خود نمی رسیدم.

وَ لَکِنَّکَ ابْتَدَأْتَنِی بِالْإِحْسَانِ ،

ولیکن تو با احسان با من آغاز کردی.

وَ رَزَقْتَنِی فِی أُمُورِی کُلِّهَا الْکِفَایَهَ ،

ومرا در کارهایم روزی دادی بقدر کفایت ولیاقت.

وَ صَرَفْتَ عَنِّی جَهْدَ الْبَلَاءِ ،

واز من دور ساختی بلاهای بیشماری.

وَ مَنَعْتَ مِنِّی مَحْذُورَ الْقَضَاءِ .

واز من منع کردی قضاها و تنگناها را.

فراز سوم:

إِلَهِی فَکَمْ مِنْ بَلَاءٍ جَاهِدٍ قَدْ صَرَفْتَ عَنِّی ،

بار الها؛ پس چه بسا بلای مشقّت باری که تو از من دور گردانیدی.

وَ کَمْ مِنْ نِعْمَهٍ سَابِغَهٍ أَقْرَرْتَ بِهَا عَیْنِی ،

و چه بسا از نعمت سرشاری که بوسیلهٔ آن چشم مرا روشن ساختی.

وَ كَمْ مِنْ صَنِيعَةٍ كَرِيمَةٍ لَكَ عِنْدِی

و چه بسا رحمت کریمانه که از تو نزد من است.

أَنْتَ الَّذِی أَجَبْتَ عِنْدَ الِاضْطِرَارِ دَعْوَتِی ،

تویی که دعایم را به هنگام اضطرار و بیچارگی اجابت کردی .

وَ أَقَلْتَ عِنْدَ الْعِثَارِ زَلَّتِی ،

وهنگام گناه از زلّتم ولغزشم کاستی (آن گناه را نگه داشتی و گناهم را در پرونده اعمالم ننوشتی و به من توبه کردن را آموختی)

وَ أَخَذْتَ لِی مِنَ الْأَعْدَاءِ بِظُلَامَتِی .

وحقّم را از ستمکاران بازستادی.

فرازچهارم:

إِلَهِی مَا وَجَدْتُکَ بَخِيلًا حِينَ سَأَلْتُکَ ،

بار الها، وقتی از تو مسئلت دارم تو را بخیل نیافتم.

وَ لَا مُنْقَبِضاً حِينَ أَرَدْتُکَ ،

و هنگام اجرای امور بر اساس اراده ات ، من تو را گرفته نیافتم.

بَلْ وَجَدْتُکَ لِدُعَائِی سَامِعاً ،

بلکه تو را شنوای دعای خود یافتم.

وَ لِمَطَالِبِی مُعْطِياً ،

و برای مسئلتهایم تو را عطا کننده یافتم.

وَ وَجَدْتُ نُعْمَاکَ عَلَیَّ سَابِغَةً فِی کُلِّ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِی وَ کُلِّ زَمَانٍ مِنْ زَمَانِی ،

وریزش نعمتهای تو را بر خودم در هر موقعیت مکانی و زمانی (در هر شأنی) یافتم.

فَأَنْتَ عِنْدِی مَحْمُودٌ ، وَ صَنِیعُکَ لَدَیَّ مَبْرُورٌ .

پس تو نزد من ستایش شده ای و احسانت پیش من مشکور است.

تَحْمَدُکَ نَفْسِی وَ لِسَانِی وَ عَقْلِی ،

جان و زبان و عقل من تو را می ستاید.

حَمْداً یَبْلُغُ الْوَفَاءَ وَ حَقِیقَةَ الشُّکْرِ ، حَمْداً یَکُونُ مَبْلَغَ رِضَاکَ عَنِّی ، فَنَجِّنِی مِنْ سُخْطِکَ .

حمد وستایشی که عهد ووفا را می شناسد و حقیقت شکر را می داند ستایشی که در حدّ خشنودی تو از من باشد پس مرا از خشم و غضب خود نجات بخش.

فراز پنجم:

یَا کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ

ای پناه من ، در آن هنگامی که تعدّد راهها و شیوه ها مراخسته سازد.

وَ یَا مُقِیلِی عَثْرَتِی ،

وای در گذرنده از لغزش و گناه من.

فَلَوْ لَا سَتْرُکَ عَوْرَتِی لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ ،

واگر سِرپوشی تو بر گناهانم نبود هر آینه از رسوا شدگان بودم.

وَ یَا مُؤَیِّدِی بِالنَّصْرِ ،

وای کسی که مرا یاری می نمایی تا نصرت و پیروزی.

فَلَوْ لَا نَصْرُکَ إِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِینَ ،

واگر یاری تو نبود هر آینه از مغلوبین بودم .

وَ یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوکُ نِیرَ الْمَذَلَّهِ عَلَی أَعْنَاقِهَا ،

وای کسی که پادشاهان در پیشگاهش یوغ مذلّت را به گردن نهاده اند .

فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ ،

پس از اُبُهت های دنیایی و کارهای خود ترسانند.

وَ یَا أَهْلَ التَّقْوَی ، وَ یَا مَنْ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی ، أَسْأَلُکَ أَنْ تَعْفُوَ عَنِّی ، وَ تَغْفِرَ لِی فَلَسْتُ بَرِیئاً فَأَعْتَذِرَ ف

وای اهل تقوی و پرهیزگاری ، ای کسی که نام های نیکو برای اوست.از تو درخواست می کنم که از من درگذری و مرا بیامرزی.پس من معذور نیستم پس بَری از گناه نیز نیستم.

وَ لَا بِذِی قُوَّهٍ فَأَنْتَصِرَ ، وَ لَا مَفَرَّ لِی فَأَفِرَّ .

وقوی نیستم که غلبه کنم و گریزگاهی ندارم که بگریزم.

فراز ششم:

وَ أَسْتَقِیلُکَ عَثَرَاتِی ،

و خدایا از تو می خواهم از گناهانم درگذری.

وَ أَتَنَصَّلُ إِلَیْکَ مِنْ ذُنُوبِیَ الَّتِی قَدْ أَوْبَقَتْنِی ، وَ أَحَاطَتْ بِی فَأَهْلَکَتْنِی ،

به تو روی می آورم از گناهانی که مرا گرفتار نمود و آنقدر بر من احاطه یافت تا مرا هلاک کرد.

مِنْهَا فَرَرْتُ إِلَیْکَ رَبِّ تَائِباً فَتُبْ عَلَیَّ ،

پس پروردگارا، از گناهان بسوی تو می گریزم – توبه کنان- پس توبه مرا بپذیر.

مُتَعَوِّذاً فَأَعِذْنِی ،

پس مرا پناه ده که بسوی تو پناه می گیرم.

مُسْتَجِيراً فَلَا تَخْذُلْنِی ،

درحالیکه پناهنده هستم پس مرا محروم مگردان.

سَائِلًا فَلَا تَحْرِمْنِی

در حالیکه سائل و گدای درگاهت هستم پس مرا محرومم مگردان.

مُعْتَصِماً فَلَا تُسْلِمْنِی ،

در حالیکه بسوی تو چنگ می زنم (به ریسمان تو چنگ می زنم) پس مرا تسلیم دیگری مکن.

دَاعِياً فَلَا تَرُدَّنِی خَائِباً .

در حالیکه تو را می خوانم(سلاح من دعا است و با دعا نزد تو می آیم) پس مرا از درگاهت ناامیدانه رد نکن.

فراز هفتم:

دَعَوْتُکَ يَا رَبِّ مِسْكِيناً ، مُسْتَكِيناً ، مُشْفِقاً ، خَائِفاً ، وَجِلًا ، فَقِيراً ، مُضْطَرّاً إِلَيْکَ .

تو را خواندم – ای پروردگارم- در حالیکه مسکین و درمانده ام ، ترسانم و هراسانم وبیمناکم و نیازمندانه و مضطرانه سوی تو را دارم.

أَشْكُو إِلَيْکَ

شکایت می کنم به تو.

يَا إِلَهِی ضَعْفَ نَفْسِی عَنِ الْمُسَارَعَهِ فِيمَا وَعَدْتَهُ أَوْلِيَاءَکَ ،

بار الها، روحم ووجودم ضعیف و ناتوان است در شتاب بسوی آنچه که به اولیائ و دوستان خود وعده داده بودی.

وَ الْمُجَانَبَهِ عَمَّا حَذَّرْتَهُ أَعْدَاءَکَ ،

و وجودم ضعیف و ناتوان است دردوری گزیدن از آنچه که دشمنانت را بیم دادی و برحذر کردی.

وَ كَثْرَةَ هُمُومِی ،

خدایا شکایت می کنم به تو از بسیاری هم وغم .

وَ وَسْوَسَةَ نَفْسِی .

واز وسوسه کردن نفسم.

فراز هشتم:

إِلَهِی لَمْ تَفْضَحْنِی بِسَرِیرَتِی ،

بار الهی، مرا رسوا نکردی به سبب آنچه که از نیّتم می دانی.

وَ لَمْ تُهْلِكْنِی بِجَرِیرَتِی ،

ومرا به سبب تجّری (ورود در گناه)هلاک نکردی.

أَدْعُوكَ فَتُجِیبُنِی

تو را می خوانم پس مرا اجابت کن.

وَ إِنْ كُنْتُ بَطِیئاً حِینَ تَدْعُونِی ،

و هنگامی که تو مرا می خوانی من خیلی کند حرکت می کنم.

وَ أَسْأَلُكَ كُلَّمَا شِئْتُ مِنْ حَوَائِجِی ،

و از تو می خواهم هر حاجتی را که دارم.

وَ حَیْثُ مَا كُنْتُ وَضَعْتُ عِنْدَكَ سِرِّی ،

و هر کجا باشم راز خود را با تو در میان می گذارم.

فَلَا أَدْعُو سِوَاكَ ، وَ لَا أَرْجُو غَیْرَكَ

پس جز تو را نمی خوانم وبه غیر تو امید ندارم.

لَبَّیْکَ لَبَّیْکَ ، تَسْمَعُ مَنْ شَکَا إِلَیْکَ ،

من پیش تو آمدم ، لبیک گویان، تو می شنوی صدای کسی را که شکایت کنان به سویت می آید.

وَ تَلْقَی مَنْ تَوَکَّلَ عَلَیْکَ ، وَ تُخَلِّصُ مَنِ اعْتَصَمَ بِکَ ، وَ تُفَرِّجُ عَمَّنْ لَا ذَ بِکَ

وتو کسی را قبول می کنی که بر تو توکّل کند- وکسی را که به دامن لطف تو در آویزد، می رهانی- و تو بلا را برطرف می کنی وغم واندوه را دور می کنی از هر که به تو پناه آورد.

فراز نهم:

إِلَهِی فَلَا تَحْرِمْنِی خَیْرَ الْآخِرَهِ وَ الْأُولَی لِقِلَّهِ شُکْرِی ، .

بار الهی، پس مرا به علت ناسپاسیم از خیر دنیا و آخرت محروم مکن.

وَ اغْفِرْ لِی مَا تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبِی .

خدایا مرا بیامرز از آنچه که از گناهانم می دانی.

إِنْ تُعَذِّبْ فَأَنَا الظَّالِمُ الْمُفَرِّطُ الْمُضَیِّعُ الْآثِمُ الْمُقَصِّرُ الْمُضَجِّعُ الْمُغْفِلُ حَظَّ نَفْسِی ، وَ إِنْ تَغْفِرْ فَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ

اگر عذاب فرمایی ،پس من ستمکار، افراط طلب ، ضایع کننده ، گنه کار، مقصر، سهل انگار، غافل از بهره خویشم و اگر مرا بیامرزی پس تو مهربانترین مهربانان هستی.

شرح تضرّع و گریه از روایات :

گریه و زاری در پیشگاه خداوند تعالی چه از شوق و چه از روی علاقه و عشق بخدا و ائمه(ع) و چه هنگام دعا و قرائت قرآن بسیار ارزشمند است. بهترین گریه و زاری از فقر نفس است نفسی که نتوانست در دنیا آنچنان باشد که تکلیف الهی بر آن غالب شده بود.

امام علی(ع)فرمود: بزرگترین بلا فقر نفس است – اکبر البلاء فقر نفس (غررالحکم۲۹٦٥)

گریه از اعظم نعمتهای معنوی خداوند به انسان است، اگر اهل مناجات شبانه ای ،گریه را فراموش مکن و اگر اهل یاد خداوند هستی پس برای سهل انگاری و غفلتها در دنیا گریه کن.

اگر گاهی قساوت قلب به سراغت آمد ازآن به درگاه الهی گریه کن.اگر یاد عیوب خود افتادی گریه کن.اگر عبد نبودی و آزاده در دنیا بودی از این باب گریه کن . گریه نعمت خداوند بر تو است. گریه غافلین را بیدار می کند و گواهان را شاهد می گیرند.

گریه ادب حضور در پیشگاه الهی و خشوع و خضوع و اعضاء و جوارح را میسّرمی سازد . ودر زیارت امین الله وارد شده(و عبرة من بکی من خوفک مرحومه) اشکی که از برای خوف تو بریزد مورد ترحم توست.

البکاء من خشیةالله :

گریستن از ترس خدا.

پیامبر(ص) فرمود: خوشا چهره ای که خداوند به آن می نگرد در حالیکه از ترس خدا بر گناهی که کرده می گرید و جز او کسی از آن گناه آگاه نیست.(البحار ٦٨/٣٩١/٦٩)

امام علی(ع) فرمود: گریهٔ چشمها و ترس دل، نشانهٔ رحمت خدای بلند نام است ، هرگاه این دو را در خود یافتید دعا کردن را غنیمت شمارید.(مکارم الاخلاق ١٠/٩٦/٢)

امام سجاد (ع) فرمود: هیچ قطره ای نزد خدا محبوبتر از این دو قطره نیست . قطره خونی که در راه خدا ریخته شود و قطره اشکی که برای خدا در دل شب فرو افتد.(البحار ٣١/٣٧٨/٦٩)

امام باقر(ع) فرمود:روز رستاخیز همه چشمها گریانند مگر سه چشم ؛ چشمی که در راه خدا شب را نخفته باشد و چشمی که از ترس خدا گریان شده باشد و چشمی که از محرمات خدا فرو هشته باشد.(البحار ٦٢/١٩٥/٧)-(١٤/٣٣١/٩٣)

امام صادق (ع) فرمود: اگر گریه ات نمی آید خود را به تباکی – گریه بزن که اگر از چشمانت به اندازه سر مگشی اشک بیرون آمد زهی به سعادتت.(عدة الداعی ١٥٦/١٦١)

امام علی(ع) فرمود: چشمها نخشکد مگر بر اثر سخت دلی – دلها سخت نشد مگر به سبب گناه زیاد (البحار٢٥/٣٣٣/٩٣) (١١/٥٢/ ٧٠) (٦٠/٣٥٤/٧٣)

رسول خدا (ص) فرمود: از نشانه های شقاوت و بدبختی خشگیدگی چشم است.(همان)

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع:

فرهنگ لغات نوین

ری شهری- میزان الحکمة